یادداشت روز

روز شناسنامه‌دار !

۱- بعدازظهر یکی از روزهای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۸ بود. از سوی شهید بزرگوار حضرت آیت‌الله سعیدی پیغام آورده بودند که برای یک کار ضروری به دیدن ایشان برویم. آن روز به اتفاق آقای مرتضی الویری عازم منزل آیت‌الله سعیدی در خیابان غیاثی- آیت‌الله سعیدی امروز- شدیم. خدمتشان که رسیدیم فرمودند مسئله‌ای از مدتها قبل ذهن ایشان را به خود مشغول کرده است و احضار ما به همین علت بوده است. و توضیح دادند که؛ تظاهرات دانشجویی در دانشگاه‌ها اگرچه مفید و موثر است و باید ادامه داشته باشد ولی این تظاهرات یک نقص بزرگ دارد که اگر برطرف نشود، راه به جایی نخواهد برد. ایشان درباره نگرانی خویش گفتند؛ شما در دانشگاه‌ها علیه رژیم شاه تظاهرات می‌کنید و اصلی‌ترین شعارتان این است که؛ «من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی برخیزد؟ من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمی‌خیزند» و شعارهای دیگری شبیه آن. این شعارها دعوت به خیزش و برخاستن است ولی مشخص نمی‌کند که برای چه باید برخیزیم و بعد از برخاستن به کدام سو برویم؟ شهید سعیدی این حرکت را ناتمام و بی‌نتیجه می‌دانستند و می‌فرمودند حرکت دانشجویی باید مطالبه مشخصی داشته باشد. آیت‌الله سعیدی پیشنهاد کردند که در تظاهرات دانشجویی نام حضرت آیت‌الله خمینی- آن روزها پیشوند امام رسم نبود- آورده شود تا جنبش دانشجویی هدف مشخص و شناسنامه تعریف شده‌ای داشته باشد. ایشان فرمودند آیت‌الله طالقانی- رحمة‌الله علیه- نیز همین پیشنهاد را دارند و قرار است گروههای دانشجویی مرتبط با خود را به شما معرفی کنند و همان موقع تلفنی با مرحوم آیت‌الله طالقانی تماس گرفتند و به ایشان خبر دادند دو تن از برادران دانشجو که حضرتعالی آنها را می‌شناسید برای پیگیری پیشنهادی که درباره آن صحبت کرده بودیم، خدمت شما می‌رسند. به اتفاق آقای الویری و با ماشین مدل پائین- آنهم آن روزها- که از برادر شهیدم امانت گرفته بودیم عازم منزل مرحوم آیت‌الله طالقانی شدیم. (شاید این بخشی از ماجرا به موضوع یادداشت پیش‌روی ارتباطی نداشته باشد ولی اشاره به آن خالی از لطف نیست- لطف خدا منظور است- در میانه راه ماشین جوش آورد، با چند دقیقه درنگ و ریختن آب در رادیاتور، روشن شد ولی بلافاصله از حرکت ایستاد. این روشن و خاموش شدن تا مغرب طول کشید و دیدیم رفتن به منزل آیت‌الله طالقانی بی‌فایده است چون ایشان مطابق معمول برای اقامه نماز عازم مسجد هدایت شده بودند. تصمیم گرفتیم ماشین را کنار خیابان پارک کنیم و برویم. با ناامیدی استارت زدیم، روشن شد و انگار نه انگار که عیب و ایرادی داشته است. فردای آن روز آیت‌الله سعیدی پیغام دادند که بعد از رفتن شما آیت‌الله طالقانی تماس گرفته و گفته بودند، ساواک تلفن را شنود می‌کرده و دو اتومبیل با تعدادی ساواکی بیرون منزل کشیک می‌کشند. اگر بچه‌ها حرکت نکرده‌اند، بگوئید نیایند و...!).

چند روز بعد در دانشگاه تهران تظاهرات پرجمعیتی برپا شد و با برنامه‌ریزی قبلی و ابتکار مشترک آیات بزرگوار، سعیدی و طالقانی شعار «درود بر خمینی» در فضای دانشگاه طنین‌انداز شد. این شعار پرابهت و غرورآفرین حال و هوای خاصی به تجمع آن روز داده بود، گویی بروبچه‌ها گمشده خود را یافته بودند و قطعه کامل‌کننده پازل جنبش دانشجویی را پیدا کرده بودند.

۲- تاریخچه جنبش دانشجویی دو قله بلند و افتخارآفرین را در خود جای داده است که هر یک از آنها به علت نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی که داشته‌اند، به مبدأ حرکت و یوم‌الله تبدیل شده‌اند، ۱۶ آذر و ۱۳ آبان. شناسنامه و هویت اصلی هر دو قله، خروش علیه آمریکا و جنایات این قدرت استکباری است، که اولی به عنوان «روز دانشجو» و دومی با تابلوی «روز مبارزه با استکبار» در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شده و هر کدام با مراسم خاصی به منظور بزرگداشت یاد و خاطره آن دو روز حماسی همراه است. در شناسنامه هر دو روز «مرگ بر آمریکا» با عنوان هویت این دو روز و به مفهوم مقابله با جنایات و غارتگری‌ها و آدم‌کشی‌های دولت آمریکا - و به قول حضرت‌امام(ره)، نه،مردم آمریکا- ثبت شده است. بنابراین بسیار بدیهی است که اگر در مراسم بزرگداشت این دو روز حماسی، فلش حرکت مراسم و جان‌مایه شعارها و سخنان ایراد شده سمت و سوی مقابله و مبارزه با آمریکای خونریز را نداشته باشد و شیطان بزرگ را به عنوان دشمن اصلی مردم و اسلام و انقلاب آدرس ندهد، نه فقط هویت واقعی این دو روز حماسی تحریف شده است، بلکه خون شهدای ۱۶ آذر ۱۳۳۲ پایمال شده و حرکت افتخارآفرین تسخیر لانه‌جاسوسی به نفع دشمن نادیده گرفته شده است. دقیقا مانند آن که، ایام محرم و در مراسم عزاداری سیدالشهداء علیه‌السلام، نامی از یزید و عمرسعد و شمر و ابن‌زیاد و جنایاتی که مرتکب شده‌اند به میان نیاید! و حال آن که برپایی مراسم عزاداری برای زنده نگه‌داشتن حماسه عاشورای حسینی(ع) و نشان‌دادن جنایت بزرگی است که یزیدیان آن زمان مرتکب شده و از سوی حرامیان این زمان تکرار می‌شود».

۳- دیروز در سالروز ۱۶ آذر و روز دانشجو آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور محترم کشورمان که در مراسم بزرگداشت این روز به دانشگاه علوم پزشکی ایران رفته بود، از هر دری سخن به میان آورد، غیر از ضرورت خروش علیه آمریکا و مقابله و مبارزه با جنایات این قدرت وحشی و آدمکش که مناسبت و شناسنامه اصلی ۱۶ آذر است! درباره سخنان رئیس‌جمهور محترم در اجتماع به دقت برنامه‌ریزی و گزینش شده دیروز- که پرداختن به آن نوشته جداگانه‌ای می‌طلبد- گفتنی‌هایی هست که به چند نمونه از آن اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

۴- آقای دکتر روحانی در مراسم تجلیل از شهدای ۱۶ آذر ۳۲ برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و هدف اصلی همایش بود، به جنایات آمریکا که شهادت مظلومانه سه شهید ۱۶ آذر، بخشی از آن و صدها جنایت وحشیانه دیگر آمریکا از آن روز تا به امروز در ادامه آن بوده و هست، هیچ اشاره‌ای نکردند و فقط آنجا که قصد تقدیر و تجلیل از سیاست خارجی دولت خود را داشتند! به اشاره فرمودند امروز اگر همه قبول نداشتند که دولت جمهوری اسلامی ضد خشونت و افراطی‌گری است «چطور اعلام جمهوری اسلامی ایران برای جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری در مجمع عمومی سازمان ملل با اتفاق آراء و مخالفت فقط دو سه کشور مثل آمریکا و اسرائیل به تصویب می‌رسد»؟!

ملاحظه می‌کنید که اینجا هم پای تعریف از دولت یازدهم در میان است و نه جنایات آمریکا و باید گفت: مگر طرح «گفتگوی تمدن‌ها»ی آقای خاتمی به اتفاق آراء- و حتی از سوی آمریکا و اسرائیل- در مجمع عمومی به تصویب نرسیده بود؟ و مگر پس از آن جرج بوش ایران را محور شرارت لقب نداد؟ بنابراین چگونه به تصویب طرح ضدخشونت خود دل بسته‌اید؟!

۵- آقای روحانی در مراسم دیروز، بار دیگر به منتقدان دولت تاختند و علاوه بر واژه‌هایی نظیر؛ بی‌سواد، بروید به جهنم، ناآگاه به مسائل جهان، بی‌شناسنامه و... این بار منتقدان سیاست خارجی دولت خود را «تازه به‌دوران‌رسیده»! نامیدند!

۶- در حالی که دست‌اندرکاران دولت محترم، از سخنرانی برخی منتقدان دولت به مناسبت ۱۶ آذر در دانشگاهها جلوگیری کرده و به هیچ منتقدی اجازه حضور در مراسم دیروز را نداده بودند، آقای روحانی در چند جای سخنان خود بر ضرورت نقد، نیاز دولت به انتقاد، دانشجو باید دیده‌بان باشد و... تاکید غلیظ داشتند! که این بخش از سخنان رئیس‌جمهور با عملکرد دولت ایشان در تناقض آشکار است. نیست؟! البته عقیده نگارنده آن است که لغو سخنرانی منتقدان پوست خربزه‌ای است که جریان نفوذی فتنه در دولت، زیرپای آقای دکتر فرهادی وزیر محترم علوم گذاشته‌اند که امید است دکتر فرهادی به این ترفند توجه ویژه داشته باشند.

۷- رئیس‌جمهور محترم می‌فرمایند؛ «در این رفت و آمدها، و رأی اعتمادها یک نظرسنجی بسیار خوبی در دانشگاه‌ها صورت گرفت و آن نظرسنجی تائید کرد راه دولت یازدهم در دانشگاه‌ها مورد تائید اساتید و دانشجویان است»! مطابق اطلاعات موثق، نظرسنجی مورد اشاره جناب روحانی یک نظرسنجی «اینترنتی» بوده است و بعید است آقای رئیس‌جمهور ندانند که از نظر کارشناسان، نظرسنجی اینترنتی «کم ارزش‌ترین» و «بی‌اعتبارترین» نوع نظرسنجی است و در میان اهل فن به مزاح با عنوان نظرسنجی «کلیک،کلیک، بنگ بنگ» از آن یاد می‌شود.

۸- آقای دکتر روحانی در بخشی از سخنان خود، تاکید کرد که دولت از دیدگاه خود درباره اداره دانشگاهها عقب‌نشینی نمی‌کند و ضمن تائید چندباره گزینه‌های معرفی شده برای وزارت علوم که مجلس به آنها رأی اعتماد نداده بود و تائید عملکرد آقای فرجی‌دانا که از سوی نمایندگان مردم استیضاح و برکنار شده بود، اعلام کرد «امروز آقای دکتر فرهادی همان راه را ادامه خواهد داد» که باید گفت؛ اظهارات ایشان اولا؛ نادیده گرفتن جایگاه و رسالت مجلس در قانون‌اساسی است. ثانیا؛ بی‌احترامی به رأی ملت است که نمایندگان مجلس را برگزیده‌اند و ثالثا؛ آقای دکتر فرهادی به یقین با بقیه گزینه‌ها تفاوت ماهوی دارد و علاوه بر سوابق ایشان، اظهارنظر صریح وی که فتنه را خط قرمز می‌دانند نشان می‌دهد مانند بقیه گزینه‌ها نیستند.

۹- و اما اکنون به خاطره صدر این یادداشت برمی‌گردیم و این که از جناب روحانی به عنوان رئیس قوه مجریه انتظار آن بوده و هست که با توجه به اطلاعات ایشان از نقشه راه دشمن در مراسمی نظیر همایش دیروز، خط حرکت جنبش دانشجویی را تشریح و به عنوان شناسنامه و هویت این جنبش یعنی مقابله با توطئه‌ها و کینه‌توزی‌های آمریکا و متحدانش بر آن تاکید ورزند و ظرفیت عظیم جنبش دانشجویی را به نفع کفه خودی در مذاکرات علیه دشمن بسیج کنند.

حسین شریعتمداری

سعید شریعتی در دانشگاه صنعتی شریف:

امیدوارم رئیس دانشگاه امیرکبیر پاسخ قانع کننده‌ای برای لغو سخنرانی شریعتمداری داشته باشد

یک فعال اصلاح طلب در مراسم روز دانشجو در دانشگاه صنعتی شریف گفت: امیدوارم که آقای معتمدی رئیس دانشگاه امیرکبیر و هیئت نظارت و کسانی که مجوز مناظره را ارائه می‌کنند، پاسخ قانع‌کننده‌ای داشته باشند که چرا به آقای شریعتمداری اجازه سخنرانی داده نشده‌است.

روز گذشته مناظره سعید شریعتی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و مهدی بلوکات دبیر اسبق اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های کشور در مراسم بزرگداشت «۱۶ آذر رویش پاییزی» در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

شریعتی از اعضای حزب منحله و غیرقانونی مشارکت در سخنان خود، ضمن انتقاد از لغو سخنرانی حسین شریعتمداری توسط برگزارکنندگان مناظره در دانشگاه امیرکبیر، گفت: امسال متاسفانه شنیده‌ام که دانشگاه امیرکبیر به آقای حسین شریعتمداری مجوز سخنرانی نداده است. البته بنده با الهام بر اینکه آقای شریعتمداری صاحب آزادترین روزنامه در جهان است و به هر حال آزادانه در مورد زمین و زمان اظهارنظر می‌کند و به هیچ‌کس نیز پاسخگو نیست، اما نمی‌توانم اظهار تاسف نکنم. از اینکه واقعا نمی‌دانم که به چه دلیلی دانشگاه امیرکبیر انگ مخالفت با آزادی بیان را به دلیل ندادن مجوز به سخنرانی و یا پرسش و پاسخ آقای شریعتمداری به جان خودش خریده است؟

وی افزود: بنده البته برای هر صاحب سخن و اندیشه‌ای، چه موافق و چه مخالف پاسدار و مدافع آزادی بیان هستم و امیدوارم که آقای معتمدی رئیس دانشگاه امیرکبیر و هیئت نظارت و کسانی که مجوز مناظره را ارائه می‌کنند، پاسخ قانع‌کننده‌ای داشته باشند که چرا به آقای شریعتمداری اجازه سخنرانی داده نشده است.

به گزارش تسنیم، این فعال سیاسی اصلاح‌طلب افزود: ما مطمئنا دفاع از حقوق قانونی شهروندان و دفاع از آزادی بیان را مختص هم جناحی‌ها، هم حزبی‌ها، هم جریانی‌ها و هم‌خطی‌های خودمان نمی‌دانیم.

توکلی: این برخوردها نه اسلامی است و نه اعتدالی

احمد توکلی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز درباره لغو سخنرانی حسین شریعتمداری، حمید رسایی، محمود نبویان و میرتاج‌الدینی در دانشگاه‌ها، گفت: این روش نه با اسلام سازگار است نه با قانون اساسی و نه با ادعای دولت مبنی بر رعایت اعتدال.

وی افزود: اینکه در دانشگاه‌ها به طرق مختلف جلوی صدور مجوز سخنرانی نمایندگان مردم را بگیرند و یا وقتی مجوز صادر شد با فشار مسئولین استان جلوی اجرای مجوز را بگیرند، بیشتر شبیه کارهای استبدادگونه است نه آزادی خواهی و اعتدال. دولت نباید اجازه چنین اقداماتی را بدهد.

توکلی با بیان اینکه «آزادی در آزادی اقلیت و مخالفان دولت معنا پیدا می‌کند چرا که آزادی طرفداران دولت در دیکتاتورترین دولت هم وجود دارد»، گفت: من متاسفم که جلوی سخنرانی امثال آقای شریعتمداری گرفته می‌شود؛ صرف نظر از اینکه ما با افکار ایشان موافق باشیم یا مخالف، باید بگویم که آقای شریعتمداری شخصیتی با سابقه سیاسی است و اگر قرار باشد صدای او به گوش دانشجویان نرسد پس صدای چه کسی باید به دانشجویان برسد؟ و یا مثلاً آقای زاکانی؛ ایشان به عنوان جانبازی که از سال‌های نوجوانی در سیاست و مبارزه بوده که اگر ایشان را نگذارند سخنرانی کند پس چه کسی باید در جمع دانشجویان سخن بگوید؟

توکلی خطاب به روحانی گفت: جناب رئیس جمهور، امروز گرچه در دانشگاه با احترام از اقلیت معترض به دولت یاد کردید ولی انتظار نیست که مخالفان را تازه به دوران رسیده بخوانید. چرا که در میان همین کسانی که امروز سخنرانیشان لغو شده عناصر با سابقه وجود دارد که از بسیاری موافقان شما که امروز در دانشگاه‌ها سخنرانی کردند، با سابقه‌تر هستند.

وی با تاکید بر اینکه «اگرما نمایندگان ملت به رفتار تنگ نظرانه، خلاف قانون و خلاف آزادی وزارت علوم و دانشگاه‌ها اعتراض نکنیم ممکن است فردا دیر باشد»، تاکید کرد: نگاهی به اسامی کسانی که امروز سخنرانیشان لغو شده و این رفتار تنگ‌نظرانه شاملشان شده نشان می‌دهد که برخی مخالفت با خود را بر نمی‌تابند؛ صرف نظر از اینکه دولت با من گوینده با اینها موافق باشیم یا نباشیم حق آنان است که نظراتشان را در فضای باز به اطلاع دانشجویان برسانند.

تقوی: دانشگاه همیشه محل نقد بوده است

همچنین حجت‌الاسلام سیدرضا تقوی عضو جامعه روحانیت مبارز در گفت‌وگو با فارس،درباره لغو سخنرانی مخالفان دولت از جمله مخالفان شناسنامه‌دار همچون حسین شریعتمداری در دانشگاه امیرکبیر اظهار داشت: ما از شرایطی که برای دانشگاه پیش آمده ناراحت هستیم و خوشایند نیست چرا که دانشگاه همیشه مرکز نقد و انتقاد بوده است و شخص رئیس‌جمهور همواره می‌گوید دولت را مورد نقد قرار دهید.

تقوی با بیان اینکه چرایی لغو سخنرانی مخالفان را باید از خود دولت پرسید، تصریح کرد:آنها با این کار جامعه دانشگاهی را دوقطبی کردند و اگر در آینده این روند ادامه پیدا کند این مسائل به جای باریک خواهد کشید.

وی به دولت توصیه کرد که سعه صدر و تحمل خود را افزایش دهد و بر همین اساس به اظهارات شفاف و صریح دانشجویان نزد مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: دولت هم اگر می‌تواند پاسخ نقد دانشجویان را بدهد و در غیراین صورت صحبت آنها را بپذیرد.

خیانت به دانشجو و دانشگاه

حجت‌الاسلام سید مهدی موسوی‌نژاد نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به لغو سخنرانی تعدادی از شخصیت‌های انقلابی در دانشگاه‌ها اظهار داشت: این قبیل اقدامات حاکی از یک نوع تنگ‌نظری و جهت‌گیری در حوزه فکری و مدیریتی دانشگاه‌هاست و آنچه پیش از این در مورد آن هشدار داده شده بود، همین موضوع است.

وی افزود: اینگونه اقدامات نوعی حرکت مستبدانه بود که در مدیریت دانشگاه‌ها شکل گرفت و این رویکرد و جهت‌گیری دانشگاه‌ها در مسیر افرادی همچون میلی منفرد و امثال آن است.

موسوی‌نژاد تصریح کرد: ما شاهد هستیم که فضای لازم برای سخنرانی در اختیار افرادی که افکار ضددینی خود را گسترش می‌دهند و علیه دین، انقلاب و نظام صحبت می‌کنند، باز است و در مقابل محدودیت‌هایی برای کسانی که در چارچوب نظام هستند و برای تعالی آن تلاش می‌کنند، محدود است و اجازه سخنرانی به آنها داده نمی‌شود و این در واقع خیانتی است به دانشجو و دانشگاه.

گفت و شنود

آب داغ !

گفت: وزیر خارجه کانادا در اجلاس منامه با عصبانیت گفته است؛ «سردار سلیمانی نماینده ترور در منطقه امروزه به عنوان قهرمان مبارزه با داعش مطرح است».

گفتم: اگر این یارو داعش را تروریست و سردار سلیمانی را قهرمان مبارزه با داعش می‌داند، بنابراین به گفته خودش، سردار سلیمانی قهرمان مبارزه با تروریست است.

گفت: تازه، خود آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هم که چشم دیدن سردار سلیمانی را ندارند، اعتراف می‌کنند که تدبیر و کاردانی و از خودگذشتگی این سردار بزرگ اسلام، عرصه را در منطقه بر داعش تنگ کرده و این تروریست‌های وحشی را به جهنم فرستاده است.

گفتم: حالا چه کسی وزیر خارجه کانادا را آدم حساب می‌کند که بخواهد درباره سردار سلیمانی اظهارنظر کند؟!

گفت: عصبانیت او از جای دیگر است، از اینکه آنهمه مبالغ کلان مالیات‌دهندگان کشورشان را برای تروریست‌های داعش هزینه کرده‌اند و انتظار نداشتند سردار سلیمانی به این زودی پوزه آنها را به خاک بمالد.

گفتم: چه عرض کنم؟! یارو با ناراحتی و در حالی که پشت خود را مالش می‌داد می‌گفت؛ عجب زمونه‌ای شده! شیر آب‌گرم حموم رو که باز می‌کنی نیم‌ساعت طول میکشه تا آب گرم بیاد اما شیر آب گرم توالت را که باز می‌کنی، بلافاصله آب‌داغ ۱۰۰درجه... بعله...

افخم:

اعتراضات آمریکا نمایانگر فاصله آشکار میان ادعای دموکراسی با واقعیت است

سخنگوی وزارت خارجه با انتقاد از رفتار پلیس و حمایت تلویحی دستگاه قضایی آمریکا از تبعیض‌نژادی و خشونت علیه اقلیت‌ها و رنگین‌پوستان تصریح کرد که این شرایط نمایانگر فاصله آشکار میان ادعای دموکراسی با واقعیت‌های سیاسی آمریکاست.

مرضیه افخم سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اعتراضات گسترده مردم آمریکا نسبت به تبعیض نژادی و برخورد خشونت آمیز نهادینه شده با رنگین پوستان را نشانگر تداوم زخم‌های مزمن جامعه آمریکا توصیف کرد.

افخم با انتقاد از رفتار پلیس آمریکا و حمایت تلویحی دستگاه قضایی آن کشور از تبعیض نژادی و خشونت علیه اقلیت‌ها و رنگین پوستان اظهار داشت: این شرایط نمایانگر فاصله آشکار میان ادعای دموکراسی و مشارکت مدنی با واقعیت‌های سیاست و حکومت در ایالات متحده آمریکا است.

وی با اشاره به اینکه سیاستمداران و حاکمان آمریکا نیازمند نگاه عمیق وضعیت داخلی کشور خود هستند، گفت: حکومت آمریکا طی چند دهه گذشته با استفاده ابزاری از حقوق بشر و با معیارهای دو گانه و در حالی که بطور مستمر کشورهای دیگر را مورد انتقاد قرار داده از وضعیت درونی خود غافل مانده است.

به گزارش تسنیم، سخنگوی وزارت خارجه تاکید کرد: حقوق بشر مقوله‌ای عام و شامل همه انسان‌ها و نوع بشر است و وقت آن رسیده که این مقوله مهم از پوسته سیاسی خارج شده و بدون تبعیض در مورد همه کشورها اعمال شود و از دولت و دستگاه قضایی آمریکا انتظار می‌رود به مسئولیت خود عمل کرده و با شهروندان خود براساس قانون و عدالت رفتار کرده و مانع از اعمال تبعیض‌نژادی و رفتار غیر انسانی شود.

خبر ویژه

روایت مشاور سابق کروبی از نقش فتنه‌گران در تحریم‌ها

مشاور سابق کروبی معتقد است تحریم‌های اقتصادی میوه شجره منحوس فتنه بود.

داریوش سجادی در وبلاگ خود نوشت: باور به اینکه تحریم ناشی از تقصیر دولت سابق بود اگر به انگیزه عوام‌فریبی نباشد قطعا ناشی از خودفریبی است. آنها که معتقد بودند تحریم‌ها ناشی از مواضع تند احمدی‌نژاد است، به این باور بودند که ادبیات فاخر و دیپلماسی لبخند و بلند کردن تابلوی «من آمده‌ام که ناز بنیاد کنم!» نافی تحریم‌هاست!

باوری که اینک ایشان را موظف کرده تا پاسخگوی این پرسش باشند؛ چرا در دور جدید مذاکرات علی‌رغم سیاست تعاملی و اتخاذ گویش ادیب‌الممالکی تحریم‌ها کماکان و محکم پابرجاست!؟ باورمندان به رویکرد «لبخند درمانی» در دیپلماسی خارجی ایران، غافلانه یا عامدانه بی‌التفات به این واقعیت مانده‌اند که مشکل آمریکا و تالی‌تلو آن برای ایران قبل از گویش متخذه دولتمردان ایرانی، گفتمان ساختارشکنانه ایران انقلابی در سامعه و سامانه و سیطره و ساختار غرب بنیاد و جهانشمولی است که تمامیت آن سیطره طی ۳ دهه گذشته توسط این گفتمان نوظهور به چالش کشیده شده.

سجادی می‌افزاید: تحریم‌های اقتصادی ایران، میوه منحوس «شجره فتنه» در زمین حاصلخیز شهر آشوبی ۸۸ بود. فرآیندی که پاسی طلایی برای کوبیدن آبشار تخریبگرانه آمریکا در زمین منافع ملی ایران را فراهم کرد.

دفاع عضو کارگزاران از گران‌تر شدن دلار!

عضو مرکزیت حزب کارگزاران از گران‌تر شدن نرخ ارز دفاع کرد.

سعید لیلاز که چند ماهی است به کارگزاران پیوسته در مصاحبه با نسیم، درباره نوسان اخیر نرخ ارز و دلار گفت: مقداری روانی و مقداری هم سیاسی بود. البته هر دوی آنها فروکش کرد. ولی یادتان باشد که قیمت دلار نمی‌تواند ثابت بماند. به تدریج باید برود به سمت بالا. معتقدم قیمت دلار جا دارد تا ۳۶۰۰ تومان هم در سال جاری افزایش داشته باشد اما نرم و آرام و به تدریج.(!)

وی همچنین در پاسخ این سؤال که «درباره گرانی دلار در روزهای اخیر بحث‌های متعددی صورت گرفته و تحلیل‌ها متفاوت است، برخی از کارشناسان می‌گویند دولت خودش به دلیل جبران کسری بودجه، دلار را گران کرده. شما می‌گویید دولت بدون کسری بودجه اقتصاد را با توجه به کاهش ۳۰ درصدی درآمدهایش مدیریت کرد. این نوع مدیریت کردن در بلندمدت اقتصاد را با چالش مواجه نمی‌کند؟» اظهار داشت: بله. ولی یک تعادلی باید داشته باشد. افزایش قیمت دلار یک حرکتی است در جهت اقتصاد مقاومتی(!) اینکه ما هنوز سالانه بین ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار خرج سفر ایرانی‌ها به تایلند و آنتالیا و دبی می‌کنیم کجایش به اقتصاد مقاومتی ربط دارد؟ این به خاطر ارزان بودن قیمت دلار است. البته از آن طرف هم باید تعادل رعایت شود. تعیین قیمت دلار یک امر بسیار پیچیده است. ولی مهمترین نکته درباره گران کردن دلار این است که باید همواره این گران کردن متناسب با تغییرات نرخ تورم صورت بگیرد.

نوسان نرخ دلار در بازار آزاد طی روزهای اخیر به چه علت بوده؟

اصلاح‌طلبان و سبزها به آرامی حساب خود را از دولت جدا کنند

عضو متواری گروهک ملی - مذهبی از فتنه‌گران و گروه‌های ضد انقلاب خواست به دولت بنفش امید نبندند.

مرتضی - ک در وب‌سایت روز آن‌لاین به آخرین سخنان رئیس‌جمهور در گرگان اشاره کرد و نوشت: روحانی هرچند تاکید کرد که به «وعده‌های داده شده در انتخابات «وفادار» است، و هرچند تصریح کرد که «من به نسل جوان عزیز کشورم و مخصوصا به جوانان دانشجوی عزیز وعده می‌دهم که پای قول‌های خود خواهم ایستاد»، اما در سخنی قابل تامل، اظهار داشت؛ «آنچه که من به شما وعده دادم، نجات اقتصاد کشور، احیای اخلاق در جامعه و تعامل سازنده با جهان بود. من پای وعده خود تا لحظه آخر و با همه توانم ایستاده‌ام.»

وی ادامه می‌دهد: شاید برای آن بخش از سبزها و کنشگرانی که تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد دولت بنفش گذاشته بودند، این تدقیق وعده‌ها و بازخوانی معنادار آنها - بی‌اشاره و توجه و تأکید به حوزه سیاست داخلی - مایوس‌کننده باشد، اما از وجه سلبی، تصریح اخیر روحانی می‌تواند هشداری مفید و راهبردی محسوب شود. بدین معنا که کنشگران سیاسی نسبتی واقع‌بینانه‌تر میان «خود» و «قوه مجریه» و «حکومت» برقرار کند.

عضو متواری گروهک ملی - مذهبی ادامه می‌دهد: یک روز پیش از سخنرانی روحانی، تقی کروبی (پسر مهدی کروبی) در مقام ارزیابی عملکرد دولت در مورد حبس سران جنبش سبز گفت: «درباره رفع حصر هیچ حرکت جدی از سوی دولت انجام نشده؛ بر اساس اخباری که از درون دولت به ما می‌رسد، اساسا موضوع آزادی‌های سیاسی و فعالیت‌های مدنی جامعه و رفع حصر رهبران جنبش سبز دغدغه مجموعه دولت نیست.» اینک روحانی با تاکید بر اقتصاد و سیاست خارجی و آنچه احیای اخلاق می‌خواند، تأیید می‌کند که گزارش و ارزیابی فرزند مهدی کروبی، دور از واقع نیست.

وی که با حزب منحله مشارکت در ارتباط بوده، آنگاه از قول «حسین - ق» از اعضای فتنه‌گر و بازداشتی سازمان مجاهدین (انقلاب) تصریح کرد: سخنان روحانی تذکری است برای سبزها که اصلاح‌طلبی خود را مبتنی بر نیروی اجتماعی پی بگیرند و حرف‌های تکراری و ملال‌آور مبنی بر لزوم سکوت به معنای حمایت از دولت نزنند.

گران کردن نان بدون ساماندهی یارانه‌ها بی‌تفاوتی نسبت به کم درآمدهاست

اقتصاددانان نسبت به بی‌تدبیری دولت در گران کردن ۴۰ درصدی قیمت نان و عدم جبران آن از طریق حذف یارانه دهک‌های پردرآمد انتقاد دارند.

حجت‌الله عبدالملکی عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) در این زمینه گفت: ما وقتی به لحاظ اقتصادی افزایش قیمت نان را تحلیل می‌کنیم ملاحظه می‌شود که این افزایش قیمت غیرمنطقی نیست ولو اینکه یارانه آرد تغییر نکرده باشد و دو سه سال است که قیمت نان ثابت مانده در حالی که غیر از آرد قیمت بقیه نهاده‌ها افزایش یافته است و با این وجود منطقاً باید اجازه بدهیم افزایش قیمت صورت بپذیرد.

وی در عین حال پیرامون اثرات افزایش قیمت نان خاطرنشان کرد: در اقتصاد همه چیز را باید به صورت بسته‌ای نه منفرد نگریست و می‌بایست تمام اثرات جانبی یک برنامه یا سیاست را بررسی کرد. یکی از اثرات نامطبوع افزایش قیمت نان، فشاری است که به قشر کم درآمد جامعه وارد می‌شود. هر چند که می‌گوییم این افزایش قیمت تأثیری در لایه‌های میانی خانوارها ندارد ولی وقتی به سمت دهک‌های سه یا چهار حرکت می‌کنیم می‌بینیم که فشار مضاعفی از این بابت به آنها وارد است. دولت نمی‌تواند نسبت به رفاه این اقشار کم‌درآمد بی‌تفاوت باشد و تنها راهکار این است که دریافتی یارانه‌ها ناموزون باشد و عده‌ای نیز از دریافت یارانه حذف بشوند. اما متأسفانه دولت راهکاری برای این موضوع ندارد.

عبدالملکی تصریح کرد: دولت جهت حذف یارانه برخی از خانوارها می‌گوید که فقدان بانک اطلاعاتی درباره چنین خانوارهایی مسبب عدم حذف آنها می‌شود. در صورتی که اولاً دولت به راحتی می‌تواند یک دهک را تشخیص و حذف کند و حذف این یک دهک برابر افزایش ۳۰ درصدی به سایر دهک‌های پایینی است. ثانیاً چرا دولت پس از سالها اجرای هدفمندی باید بگوید که بانک اطلاعاتی ندارد؟ الان که روز اول نیست که بگوییم که بانک اطلاعاتی نداریم چرا که چهار سال از اجرای این قانون می‌گذرد و دولت قبل یک بانک اطلاعاتی ناقص تهیه کرد و دولت فعلی نیز یک و نیم سال وقت داشته است که آن را تکمیل کند و حتی ستاد خاص نیز برای این قضیه تشکیل شده است. دولت باید به صورت شفاف پاسخ دهد که در راستای تهیه این بانک اطلاعاتی چه اقداماتی انجام داده است. باید مشخص شود که آیا دولت اعتقادی به لزوم چنین بانک اطلاعاتی احساس می‌کند؟ از سویی نیز صحبت‌هایی از سوی مسئولین مطرح می‌شود که تولید چنین بانک اطلاعاتی را به تعویق می‌اندازد و یا کلاً بانک اطلاعاتی قبل را نیز تخطئه می‌کند و خود مسبب به چالش افتادن حذف یارانه برخی دهک‌ها می‌شود. به عنوان مثال چرا باید مسئولین دولتی مطرح کنند که ما به حسابهای اشخاص کار نداریم و سرکی در دارایی‌های مردم نمی‌کشیم. در حالی که در اقتصادهای پیشرفته دنیا تمام تراکنش‌های اقتصادی افراد اعم از بانکی، ارزی، گمرکی و ثبت اسنادی به طور دقیق رصد می‌شود.

روحانی به همه بد گفت جز آمریکا!

اظهارات رئیس‌جمهور در مراسم روز ۱۶ آذر با نکات قابل تأملی همراه بود.

مهندسی و دست‌چین اغلب افراد حاضر در این مراسم که در دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد در کنار حذف اسامی نمایندگان چند تشکل اصلی دانشجویی از فهرست پرسشگران و سخنگویان دانشجویان، چهره‌ای تشریفاتی، دولتی و شبه کارمندی را برای مراسم به تصویر کشید. این فضای بسته در حالی بود که روحانی چند روز پیش در گرگان گفته بود زمان امنیتی بودن فضا به سر آمده است.

رئیس‌جمهور در سالگرد رویداد ۱۶ آذر ۱۳۳۲ هیچ اعتراض صریح یا کنایه‌آمیزی نسبت به رژیم آمریکا و جنایت‌های ۷۰ ساله آن رژیم علیه ملت ایران نکرد و حال آن که دانشجویان در ۱۶ آذر ۳۲ در اعتراض به کودتای سیا و سفر معاون رئیس‌جمهور آمریکا به شهادت رسیدند. روحانی در عوض نیش و کنایه‌های خود را در میدانی بی‌حریف و دست‌چین شده! نثار منتقدان کرد و آنها را تازه به دوران رسیده‌ها و اقلیتی که از تحریم‌ها سود می‌برند معرفی کرد!

روحانی در این مراسم گفت: دانشجو باید منتقد، دیده‌بان و ناظر باشد. اگر نگذاشتند دانشجو انتقاد کند، لااقل نسبت به دولت انتقاد کند. دیوار دولت فعلا از همه کوتاه‌تر است. هر کسی به هر بهانه‌ای از گوجه‌فرنگی گرفته تا مسائل هسته‌ای دولت را نقد می‌کند. دولت به انتقاد دلسوزانه و شرافتمندانه افتخار می‌کند، زیرا بدون نقد ما نمی‌توانیم پیشرفت کنیم.

وی در این بخش از سخنان خود روشن نکرد مرادش از «دانشجویان دولت را نقد کنند» کدام دانشجویان است؛ آنها که نمایندگانشان را برای طرح نقد خویش به جلسه راه نداده‌اند؟ همچنین در این سخنان معلوم نشد اگر نباید از گوجه یا مسائل هسته‌ای انتقاد کرد، دولت و رئیس‌جمهور محترم صلاح می‌دانند منتقدان با چه دوزی و از کدام مسائل و مصادیق انتقاد کنند؟! به عبارت دیگر خوب است دولت فهرست موضوعات مجاز (و غیرامنیتی) برای نقد دولت را ارائه کند! در غیر این صورت حکایت همان کسی خواهد شد که می‌گفت وقتی با من حرف می‌زنی دهانت را ببند.

با وجود همراهی نمایندگان مجلس با دولت و رأی اعت